

۱۳۵ - حضرت رسول و ائمه هدی

و نیز از حضرت عبدالهء در مفاوضات است قوله الجلیل از امم شرقیه هزار و سیصد سال در ظل شریعت محمدیه به تربیت و در قرون وسطی که اروپا در نهایت درجه توحش بودند قوم عرب در علوم و صنایع و ریاضیات و مدنیّت و سیاست و سائر فنون بر سائر ملل عالم تفوق داشتند محرک و مرّی بادیة العرب و مؤسس مدنیّت کمالات انسانیّه در میان آنطوائف مختلفه یک شخص امی یعنی حضرت محمد بود .

غزوات حضرت محمد جمیع حرکت دفاعی بود ... اینها دختران خویش را زنده زنده زیر خاک میکردند و میگفتند که این عمل منبعث از حمیت است و بآن افتخار مینمودند ... یک شخص هزار زن می برد اکثر شان بیش از ده زن در خانه داشتند ... هر قبیله که غلبه میکرد اهل و اطفال قبیله مغلوبه را اسیر مینمود و آنها را کنیز و غلام دانسته خرید و فروش مینمودند و چون شخصی فوت مینمود و ده زن داشت اولاد این زنان بر سر مادران یکدیگر میتاختند و چون یکی ازین اولاد عبای خویش را بر سر زن پدر خود میانداخت و فریاد مینمود که این حلال من است فوراً بعد این زن بیچاره اسیر و کنیز پسر شوهر خویش میشد و آنچه میخواست بزنی پدر خود مینمود میکشت و یا آنکه در چاهی حبس میکرد و یا آنکه هر روز ضرب و شتم و زجر میکرد تا بتدریج آنزن هلاک میشد بحسب ظاهر و قانون عرب مختار بود ... معیشت قبایل عرب از نهب و غارت یکدیگر بود .

... اگر ملاحظه میکرد (حضرت مسیح) که ظالم قاتل خونخوار جمعی از مظلومان را قتل و غارت و اذیت خواهد نمود و نساء و اطفال را اسیر خواهد نمود البته آنمظلومان را حمایت و ظالمان را ممانعت می فرمود . پس اعتراض بر حضرت محمد چیست ؟ این است که چرا با اصحاب و نساء و اطفال تسلیم این قبائل طاغیه نگشت و ازین گذشته این قبائل را از خلق و خوی خونخواری خلاص کردن عین موهبت است و زجر و منع این نفوس محض عنایت است¹ .

و در خطابه^۲ در کنیسه یهود در سانفرانسیسکو است قوله العزیز . جمیع اقوام و قبائل عرب ضد او بر خاستند عاقبت خدا او را غالب کرد زیرا حق بر باطل غالب است ملاحظه نمائید که حضرت محمد در بین اقوام وحشی عرب تولّد یافت و زندگانی فرمود بظاهر امّی و بی خبر بود اقوام اعراب در نهایت جهالت و همعی بقسی که دختران خود را زنده زیر خاک می نمودند و این را نهایت فخر و حمیت و علو فطرت میشمردند و در تحت حکومت ایران و رومان در نهایت ذلّت و اسارت زندگانی مینمودند در بادیة عرب پراکنده بودند و با یکدیگر حرب و قتال میکردند چون نور محمّدی طالع شد ظلمت جهالت از بادیة عرب زائل گشت آن اقوام متوحشه در اندک زمانی بمنتهی درجه مدنیّت رسیدند چنانکه از مدنیّت ایشان در اسپانیا و بغداد اهالی اروپا استفاده کردند حال چه برهانی اعظم از این است² . (۱)

¹ مفاوضات - قسم اول - ز

² خطابه در معبد بزرگ یهودیان سانفرانسیسکو ۱۲ اکتبر ۱۹۲۱

و نیز در مفاوضات است قوله العزیز و در بعضی مواضع از کتب مقدسه ذکر روح میشود و مقصد شخص است مثل آنکه در مخاطبات و مکالمات مصطلح است که فلان شخص روح مجسم است رحمیت و مرّوت مشخصه درین مقام نظر بزجاج نیست بلکه نظر بسراج است چنانکه در انجیل یوحنا در ذکر موعود بعد حضرت مسیح در فصل ۱۶ آیه ۱۲ میفرماید "و بسیار چیزهای دیگر نیز دارم بشما بگویم لکن الآن طاقت تحمّل آنها را ندارید و لکن چون او یعنی روح راستی آید شما را بجمیع راستی هدایت خواهد کرد زیرا که از نفس خود تکلم ننماید بلکه بآنچه شنیده است سخن خواهد گفت" حال بدقت ملاحظه نمائید که ازین عبارت "زیرا از نفس خود تکلم ننماید بلکه بآنچه شنیده است سخن خواهد گفت" معلوم میشود که این روح راستی انسانی مجسم است که نفس دارد و گوش دارد که استماع می نماید و لسان دارد که نطق میکند و همچنین بحضرت مسیح روح الله اطلاق میشود مثل اینکه سراج گوئی و مراد سراج با زجاج است. و در اثری از خادم در جواب سئوال های حکیم حزقیل حیّم قوله سئوال ثانی از آیه مبارکه فرقان بوده که میفرماید قوله تعالی شانۀ و تعالی سلطانه و اذ قال عیسی بن مریم یا بنی اسرائیل ائی رسول الله الیکم مصدقاً لما بین یدی من التوراة و مبشراً برسول یاتی من بعدی اسمہ احمد فلما جأهم بالبینات قالوا هذا سحر مبین انتهى و مقصودشان از این سئوال آنکه این فقره در انجیل نبوده و نیست معذک رسول الله صلوات الله علیه در فرقان ذکر فرموده اند بلی هذا حق نعترف به ولکن حضرت نفرموده است که در انجیل نازل شده انا نشهد بانّه قال قد تکلم عیسی بن مریم بما انزله الرحمن فی الفرقان و البتہ آنچه فرموده و در فرقان من لدی الرحمن نازل شده صدق محض بوده و خواهد بود چه که اطلاع بر علوم مستوره و احاطه بما حدث و یحدث فی الابداع غیر حق نداشته و نخواهد داشت و حق تعالی شانۀ باصفیاء و انبیاء خود آنچه را بخواهد وحی میفرماید و تعلیم میدهد انه لهو العلیم الحکیم و این آیه مبارکه از اموراتی است که حق تعالی شانۀ برسول خود اخبار فرمود اینک در انجیل نیست این دلیل بر عدم تکلم حضرت مسیح بمفاد آیه مذکوره نبوده و نیست .